

موانع خردورزی در قرآن کریم با نگاه روان شناختی

The Barriers to Rationality in the Holy Qur'an from a Psychological Point of View

صدیقه اجتهادی / دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی دانشکده هدی قم

جعفر هوشیاری / استادیار روان شناسی، استاد همکار مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه (نویسنده مسئول)

علی اکبر شورورزی / کارشناسی ارشد مشاوره اسلامی مرکز تخصصی امام خمینی قم

Sadiqeh Ejtehad, an MA student in psychology, Hoda University, Qom, Iran, Email: Ejtehad1357@gmail.com

Jafar Houshyari, a Ph.D. in the Qur'an and Psychology, a fellow professor, the Department of Psychology, the Faculty of Humanities and Social Sciences, Qom, Iran, Email: J.houshyari@yahoo.com

Aliakbar Shoorvarzi, an MA in Islamic Counseling, Imam Khomeini Specialized Centers, Howzeh, Qom, Iran, Email: Ashn644@chmail.ir

Abstract

One of the special distinctions between man and other creatures is rationality. Rationality has a special place in Islam and psychology, failure to prosper and benefit from it will have harmful consequences, and recognition of the barriers to rationality is one of the basic steps for human beings to benefit from this differentiating force. Therefore, this study was conducted to investigate the barriers to rationality in the Qur'an through a qualitative method of content analysis. To achieve this purpose, the verses of the Qur'an on rationality in the interpretations of Al-Mizan, Nemuna, Noor, and the like were examined. The findings showed that (a) the barriers to rationality from the perspective of the Qur'an could be divided into three categories: cognitive, emotional, and behavioral; (b) the cognitive barriers to rationality from the perspective of the Holy Qur'an included

چکیده

یکی از تمایزهای ویژه انسان با سایر مخلوقات تعقل است. خردورزی در اسلام و روان شناسی دارای جایگاه ویژه ای می باشد که عدم شکوفایی و بهرمندی از آن پیامدهای زیان باری در پی خواهد داشت و شناخت موانع خردورزی یکی از گام های اساسی بهره مندی انسان از این نیروی تمایزبخش به حساب می آید. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع خردورزی در قرآن به روش کیفی تحلیل محتوی انجام شد. برای دسترسی به هدف پژوهش، آیات قرآن مرتبط با خردورزی در تفاسیر المیزان، نمونه، نور و مانند آن بررسی شد. یافته های پژوهش نشان داد: الف. موانع خردورزی از منظر قرآن در سه دسته قرار می گیرد: موانع شناختی، عاطفی و رفتاری؛ ب. موانع شناختی خردورزی از منظر قرآن کریم عبارت اند از: عدم توجه به ندای

inattention to the voice of nature, self-forgetfulness, and superstitious beliefs; (c) Friendship and intimacy with the enemies of God, prejudice and stubbornness were some emotional barriers to rationality; (d) sin, lack of adherence to privacy and boundaries, wrong choice, worldliness, inattention to the signs of Divine mighty, inattention to the stages of creation and death, hypocrisy and concealment of truth, blind imitation, and inattention to the history of the ancients were considered the behavioral barriers to rationality.

Keywords: rationality, reasoning, the Qur'an, psychology, nature.

فطرت، خودفراموشی و باورهای خرافی؛ ج. دوستی و صمیمیت با دشمنان خدا، تعصب و لجابت برخی از موانع عاطفی خردورزی است؛ د. گناه، عدم پایبندی به حریم و مرزها، انتخاب غلط، دنیاگرایی، توجه نکردن به نشانه‌های قدرت الهی، بی توجهی به مراحل خلقت و مرگ، نفاق و کتمان حقیقت، تقلید کورکورانه و بی توجهی به سرگذشت پیشینیان از موانع رفتاری خردورزی به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: خردورزی، تعقل، قرآن، روان‌شناسی، فطرت.

مقدمه

انسان به‌عنوان پیچیده‌ترین مخلوق خداوند، دارای ویژگی‌های متعددی است که او را از سایر مخلوقات خداوند متمایز کرده است و بسیاری از اندیشمندان در طی قرون متمادی تلاش کرده‌اند که این تمایزها را شناخته و بیان کنند. در این زمینه آثار فراوانی درباره‌ی شناخت انسان نگاشته شده است، به خصوص عارفان اسلامی در کنار بحث از توحید و شناخت خدا بحث‌های زیادی در مورد ویژگی‌های خلیفه‌ی خدا و انسان کامل ارائه کرده‌اند. یکی از تمایزهای ویژه انسان با سایر مخلوقات استفاده از عقل و خردورزی است. دین مبین اسلام به‌عنوان چارچوبی برای هدایت انسان‌ها به مسیر سعادت اهمیت ویژه‌ای برای خردورزی قائل است، ارج و قدرت عقل و تدبیر در اسلام چنان است که عقل را «پیامبر باطنی» خوانده و کنار پیامبران ظاهری جای داده است (برنجکار، ۱۳۸۰). در نظر اسلام اگر خردورزی پیش‌زمینه‌ی رفتار و کردار انسان شود، او را در مسیر رشد و تعالی قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۲۱). قرآن می‌فرماید: «بشارت بر بندگانی که گفته‌های گوناگون را می‌شنوند و نیکوترینشان را برمی‌گزینند. آنان همان کسانی‌اند که خداوند هدایتشان نموده است؛ (زیرا) آنان صاحبان خردند» (زمر: ۱۷-۱۸). این پای فشاری بر خردگرایی چنین بر زبان پیامبر ﷺ آمده است: «من

از نداری و تنگدستی بر امت خویش نمی‌ترسم، از این می‌ترسم که کژاندیشی و بی‌تدبیری کنند» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق).

علی‌رغم تأکید ویژه اندیشمندان بر خردورزی به‌عنوان وجه ممیزه انسان با سایر مخلوقات (برنجکار، ۱۳۸۰)، وجود موانعی همچون عدم توجه به ندای فطرت، خودفراموشی، شناخت‌ها و باورهای خرافی، تعصب و لجاجت، دنیاگرایی و آلودگی به گناهان سبب می‌شود که نیروی عقل غبارآلود گشته و انسان نتواند از این نعمت الهی در امور روزمره خود به‌صورت شایسته و بایسته بهره‌برداری کند.

در زمینه خردورزی از منظر قرآن، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه بلوکی (۱۳۸۶)، در پژوهش خود به تبیین راهکارهای رشد خردورزی در قرآن کریم پرداخته و چهار راهکار رایزی، اجتهاد و استنباط، نقد و پرسش‌گری برای تقویت خردورزی از منظر قرآن را ارائه داده است. رویکرد وی در این تحقیق توصیفی است. شجریان (۱۳۹۵)، تقوا را به‌عنوان جامع‌ترین صورت خردورزی در قرآن کریم معرفی می‌کند. اکبری و بلوکی (۱۳۹۴)، به تبیین نشانه‌های خردورزان از منظر قرآن می‌پردازند. مویدی (۱۳۹۱)، به خردورزی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه می‌پردازد و به عوامل و آثار آن می‌پردازد. محمودی (۱۳۹۷) به بررسی تحلیلی مبانی اسلامی خردورزی به‌عنوان یک هدف تربیتی با رویکرد تحلیلی توصیفی می‌پردازد. چنانچه ملاحظه شد، در پژوهش‌های فوق به‌صورت مستقل به بررسی موانع خردورزی از منظر قرآن کریم پرداخته نشده و در صورت پرداختن، بیشتر رویکرد توصیفی داشته‌اند. از این رو، بررسی تفصیلی موانع خردورزی از منظر قرآن کریم با رویکرد تحلیلی و با هدف جبران خلأ پژوهشی مذکور و زمینه‌سازی در راستای فعال‌سازی و کاربست مطلوب عقل در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی از ضرورت بالایی برخوردار است. برای تبیین موانع خردورزی از منظر قرآن کریم باید به سؤال‌های ذیل پاسخ داده شود:

- موانع خردورزی در قرآن چیست؟

- موانع خردورزی در قرآن چند دسته است؟

روش پژوهش

این پژوهش، کیفی است و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. بدین صورت که ابتدا آیات مرتبط با خردورزی که مشتمل بر واژگانی همچون «يعقلون، تعقلون، نقل و مانند آن»

استخراج گردیده و سپس با استفاده از کتب تفسیری میزان، نور و نمونه و همچنین برخی از روایات تفسیری، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش موانع متعددی را برای خردورزی نشان داد که با تجزیه و تحلیل محتوایی، به سه دسته موانع شناختی، موانع عاطفی و موانع رفتاری دسته بندی شد.

- موانع شناختی

انسان از زمانی که پا به دنیا می‌گذارد، شروع به تجربه می‌کند و از تجارب خود ساخت‌های ذهنی ساخته و بر اساس آنها در موقعیت‌های بعدی واکنش نشان می‌دهد، ممکن است انسان به واسطه شرایطی که در زمان تجربه اولیه رخ می‌دهد در مسیر ساختن این ساخت‌های ذهنی دچار خطا شود که وجود این خطاها عملکرد او را در آینده مختل می‌کند. در اصطلاح دانش روان‌شناسی به این خطاها، خطای شناختی گفته می‌شود. این خطاها که در حین تجارب اولیه شکل می‌گیرد، در زمان تحلیل و تفسیر و قضاوت در مورد رویدادهای بعدی، انسان را به دام خود گرفتار می‌کنند و موجب می‌شوند، نتواند شرایط موجود را به درستی ارزیابی کرده و بهترین گزینه پیش‌رو را انتخاب کند. برخی از این خطاهای شناختی مانع تعقل و اندیشه‌ورزی انسان می‌گردد که در ادامه از منظر قرآن آنها را بررسی می‌کنیم:

الف. عدم توجه به ندای فطرت

فطرت از ماده «فطر» در لغت به معنای شکافتن است (حسینی زبیدی، ۱۳۸۷). فطرت در اصطلاح به معنی سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امور فطری، اموری است که نوع خلقت و آفرینش انسان اقتضای آن را داشته و مشترک بین همه انسان‌ها باشد.

خاصیت امور فطری آن است که اولاً مقتضای آفرینش انسان است و اکتسابی نیست؛ ثانیاً در عموم افراد وجود دارد و همه انسان‌ها از آن برخوردارند؛ ثالثاً تبدیل یا تحویل پذیر نیست، گرچه شدت و ضعف می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). قرآن پس از استدلال بر اثبات مبدأ و ضرورت معاد، می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (روم: ۳۰)؛ چهره جانت را به سمت دین الهی و مجموعه معارف و قوانین الهی که حنیف است، متوجه نما و استوار بدار؛ زیرا دین موجه الهی، اسلام است و غیر از اسلام نه راه صحیحی وجود دارد و نه هدف انسان

تأمین می‌شود. از منظر قرآن نه تنها دین اسلام تحمیل بر فطرت نیست، بلکه پاسخ مثبت به ندای فطرت است: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). همان‌طور که هست‌ها و نیست‌های دین مثل اعتقاد به خدا و ابدیت خواهی، فطری انسان است، بایدها و نبایدهای دین نیز این‌گونه است؛ یعنی مقتضیات تکوینی و خواسته‌های نفس است که خدا به وی الهام کرده است: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۷ و ۸)؛ قسم به نفس انسان و آن‌کس که او را معتدل و بدون نقص بیافرید و بها و فجور و تقوا را الهام کرد. براساس این آیه، انسان یک سلسله بديها و خوبی‌های معین دارد؛ چراکه در آیه «الفجور والتقوى» ذکر نشده و به جای آن «فجورها و تقویها» به کار رفته است. از این رو، نمی‌توان همه کارها را برای انسان یکسره روا یا ناروا دانست. پس انسان دارای فجور و تقوا است و این فجور و تقوا همان بایدها و نبایدهای فطری است. ریشه بایدها و نبایدها همان فجور و تقوای نفس است که خدا اصول اولیه آن را از راه الهام غیبی به انسان یاد داده و با وحی نازل، همه آن خطوط اعم از اصلی و فرعی را تبیین فرموده است. بر این اساس است که خطاب به او می‌گوید: «فطرت را بگیر»؛ یعنی فجور و تقوایی را که به خوبی برای تو توجیه کرده‌ایم، مغتنم شمار که با خواسته ذاتی تو هماهنگ است.

گروهی از آیات قرآن که مرتبط با فطرت است، مربوط به نسیان است. آیاتی که در آنها عنوان نسیان اخذ شده و بر این مطلب دلالت می‌کند که تبهکاران و مشرکان و ملحدان، عقاید دینی مانند مبدأ و معاد را فراموش کرده‌اند، می‌فرماید: «تَسُوا اللَّهَ فَاُنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ» (حشر: ۱۹)؛ «تَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه: ۶۷)؛ «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ» (یس: ۷۸). استفاد از این آیات، آن است که معرفت خداوند سابقه فطری داشته و کافران، ملحدان، مشرکان و تبهکاران بر اثر آلودگی به طبیعت آن را فراموش کرده‌اند. کافری که جز طبیعت و ماده به چیزی معتقد نیست و می‌گوید: «مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا اللَّهُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (جاثیه: ۲۴)؛ زندگی ما جز زندگی دنیا نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز روزگار، هلاک نمی‌کند، خدا و معاد را فراموش کرده است. از کلمه نسیان استفاده می‌شود که گرایش به خدا و عالم ابد در نهاد هر انسانی نهفته است، ولی گاهی انسان آن را فراموش می‌کند. خداوند نسیان را فقط درباره مؤمنان یا اهل کتاب به کار نمی‌برد، بلکه آن را به هر کسی که مبدأ و معاد را نمی‌پذیرد، نسبت می‌دهد. به لحاظ روان‌شناختی، فطرت یا سرشت یا گوهر یا نهاد یا ذات یا طینت، بخش

جدایی ناپذیر، مادرزادی و نیاموختنی روانی انسان هاست که از آغاز تولد با خود به همراه دارند و زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت را ایجاد می‌کند، لذا عدم توجه به این سرشت پاک و بکر و فراموش کردن آن و گوش ندادن به آن، به تدریج سبب کفرورزی گردیده و می‌تواند مانعی بر سر راه خردورزی به حساب آید.

ب. خودفراموشی

خودفراموشی عبارت است از: بیگانه شدن انسان از شخصیت واقعی، انسانی و الهی خویش و توجه به شخصیت پنداری، خیالی و غیرواقعی خود (مطهری، ۱۳۷۴). چنان‌که می‌دانیم، انسان دارای دو بُعد حیوانی و الهی مادی و معنوی است. آن چیزی که انسان را انسان می‌کند، توجه او به شخصیت الهی و معنوی اش می‌باشد. این شخصیت الهی و انسانی، همان شخصیت اصیل، واقعی و راستین اوست که در فرهنگ اسلامی «خودواقعی» نام گرفته است. بدیهی است که نقطه مقابل «خودواقعی»، «خودغیرواقعی» خواهد بود. خودغیرواقعی همان شخصیت پنداری، خیالی و حیوانی است که در تعالیم اسلامی، «ناخود» «خودطُفیلی» و غیرواقعی» شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۷۴).

وقتی سخن از خودفراموشی و از خودبیگانگی انسان به میان می‌آید، منظور این است که انسان آگاه، خود اصیل و شخصیت واقعی خویش را به دست فراموشی سپرده، از او بیگانه شده و تمام توجه خویش را به شخصیت دروغین خود معطوف سازد.

برای خودفراموشی در قرآن آثار متفاوتی ذکر شده است که یکی از این آثار، مانع بودن خودفراموشی، برای خردورزی است. در قرآن کریم آمده است: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴). این آیه نشان می‌دهد که میان این حالت ایشان یعنی فراموش کردن خودشان و عدم تعقل رابطه است و می‌توان یکی از آثار خودفراموشی را مانع شدن آن از خردورزی و انتخاب تصمیمات درست دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

به لحاظ روان‌شناختی، خودآگاهی زمینه رشد و شکوفایی و بهره‌گیری از خرد انسان را به دنبال دارد و در مقابل خودناآگاهی موجب شخصیت پنداری و خیالی و حیوانی شده و این امر مانع خردورزی محسوب می‌شود.

ج. شناخت و باورهای خرافی

قرآن کریم، از خرافات با عنوان «اساطیر» یاد کرده است. «اساطیر» به معنای «باطیل» و سخنان بیهوده‌ای است که هیچ پایه و اساسی ندارند (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۸۶). خداوند در قرآن می‌فرماید: «...يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انعام: ۲۵)؛ و کافران می‌گویند اینها افسانه‌های پیشینیان است. در جایی دیگر می‌فرماید: «لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (نمل: ۶۸). و نیز در سوره‌ها و آیات دیگر مانند: انفال: ۳۱؛ نحل: ۲۴؛ مؤمنون: ۸۳؛ فرقان: ۵؛ احقاف: ۱۷؛ قلم: ۱۵؛ مطفین: ۱۳، کلمه «اساطیر» به معنای افسانه‌ها و خرافات آمده است که غالباً از ناحیه کفار و مشرکان به پیامبر اکرم ﷺ و کتاب مقدس قرآن نسبت داده می‌شده است.

با توجه به آیات فوق می‌توان دریافت که از منظر قرآن یکی از آثار اعتقاد به خرافات، کم شدن زمینه‌های خردورزی و تعقل است. به عبارت دیگر، اعتقاد به خرافات، مانعی برای خردورزی محسوب می‌شود. به لحاظ روان‌شناختی، خطاهای شناختی از جمله بحث‌های مهم در حوزه مدیریت و روان‌شناسی محسوب می‌شوند. این خطاها، هنگام تحلیل و تفسیر و قضاوت در مورد رویدادها ما را به دام خود گرفتار می‌کنند و باعث می‌شوند که ما نتوانیم شرایط موجود را به درستی ارزیابی کرده و بهترین گزینه پیش‌رو را انتخاب کنیم. عدم اصلاح خطاهای شناختی و عمل کردن بر اساس باورهای خرافی به عنوان مانعی برای خردورزی محسوب می‌شود.

- موانع عاطفی

عاطفه نوعی میل است که جهت آن به سوی غیر می‌باشد (غرویان، ۱۳۷۹). یکی از ویژگی‌های انسان، عواطف پیچیده‌تر او نسبت به سایر مخلوقات خداوند است که می‌توان گفت این عواطف پیچیده به واسطه قدرت یادگیری و توان ویژه انسان در قوه شناخت است. این عواطف پیچیده می‌تواند هم سبب قدرت انسان در مواجهه با مشکلات روزمره باشد و هم می‌تواند مانعی در مسیر رشد و تعالی او باشد. در ادامه از منظر قرآن به موانع عاطفی که سبب می‌شود انسان نتواند به خوبی از قدرت تعقل خود استفاده کند اشاره می‌کنیم:

الف. دوست داشتن و صمیمیت با دشمنان اسلام (محرم اسرار قرار ندادن آنان)

انسان از این جهت که موجودی اجتماعی است به ارتباط با دیگران نیازمند است و در صورت

نداشتن ارتباط دچار خلأهای عاطفی و به تبع آن آسیب های روان شناختی می گردد. به همین دلیل، داشتن دوست یکی از نیازهای انسان است. دوست از این جهت که پاسخگو نیازهای انسان است بر رفتار و عملکرد او تأثیر قابل توجهی می گذارد و به هر میزان که پیوند دوستی عمیق تر باشد، این تأثیر بیشتر خواهد بود. به همین خاطر است که در دین اسلام تأکید بسیاری بر دوست و چگونگی انتخاب و شرایط آن شده است. در سوره آل عمران درباره معیارهای انتخاب دوست آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ...» (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شر و فسادی درباره شما کوتاهی نمی کنند، آنها دوست دارند شما در زحمت و رنج باشید (نشانه های) دشمنی از دهان آنها آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند از آن هم مهم تر است، ما آیات (و راه های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم، اگر اندیشه کنید.

با توجه به آیه و شأن نزول آن می توان به این نتیجه رسید، انتخاب دوست صمیمی از میان دشمنان اسلام و علاقمند شدن به آنها یکی از زمینه های ضعیف شدن خردورزی است. به لحاظ روان شناختی چون در این گونه موارد انسان احساسی شده و بی دلیل به طرف مقابل اعتماد می کند، لذا این احساس زیاد مانع از منطقی بودن و خردورزی به اندازه و صحیح است.

ب. تعصب

تعصب، به معنی «وابستگی غیر منطقی به چیزی» تا آنجا که انسان حق را فدای آن کند. تعصب از رذایل به معنای طرفداری یا دشمنی بیش از حد نسبت به شخص، گروه یا چیزی است. بی تردید اساسی ترین پایه عبودیت و بندگی خدا، تسلیم و تواضع در برابر حق است و به عکس هرگونه تعصب و لجاجت مایه دوری از حق و محروم شدن از سعادت است (مطهری، ۱۳۸۰). خداوند به لجبازی های یهودیان در برابر وحی قرآن اشاره می کند و می فرماید که اینان به سبب تعصبات و هواپرستی به انکار قرآن روی آورده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴؛ بقره: ۱۲۰؛ غافر: ۱۰ و ۱۲؛ شعراء: ۱۹۸-۲۰۱). در ادامه به برخی از آیات که در قرآن به مسئله تعصب اشاره کرده اند می پردازیم: «وَإِنِّي كُنَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَّعِبَرُوا لِحُكْمِي فَكَذَّبُوا وَأَصَابَهُمْ فِتْنَةٌ وَأَذَانَهُمْ وَأَسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» (نوح: ۷)؛ «قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتَّعِبِدَ اللَّهَ وَحَدُّهُ وَنَدَّرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعْدُنَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (اعراف: ۷۰)؛ «قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُم إِذْ تَدْعُونَآ وَيَقْعُونَكُم أَوْ يَصْرُونَ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (شعراء: ۷۳-۷۴).

با تحلیل محتوایی این آیات که مقاومت از روی تعصب بر اشتباه را یادآور می‌شود، می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از موانع خردورزی از منظر قرآن تعصب از روی هواپرستی است. به لحاظ روان‌شناختی، تعصب از مصادیق خطاهای شناختی است و انسان متعصب، استانداردهای بسیار سخت و سفت و آستانه تحمل پایین برای آرا و نظریات مخالف دارد و کلید تمام باورهای متعصبانه این است که همگی خود تأییدگر هستند، با توجه به این تحلیل تعصب از موانع خردورزی محسوب می‌شود.

ج. لجاجت

لجاجت، در لغت به معنای پافشاری در انجام کاری که مخالف میل طرف مقابل باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰). لجاجت در اصطلاح به اصرار ورزیدن در کاری همراه با عناد که از انجام آن نپسندیده شده، گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). یکی از پلیدترین صفاتی که در قرآن از آن به صراحت یا به صورت مفهومی یاد شده و مورد سرزنش قرار گرفته، لجاجت و اصرار ورزیدن بر سخنان و عقاید باطل است که منجر به تکذیب انبیاء، آیات الهی و حتی به قتل انبیای الهی می‌گردد. در مورد تفاوت لجاجت با جهالت می‌توان گفت: جهالت، ناشی از عوامل عارضی از جمله «طغیان هوای نفس» بوده و لذا ممکن است با از بین رفتن این عوامل به سبب پیدا شدن مانع در برابر آنها یا در اثر حائل شدن زمان طولانی بین تصمیم و انجام گناه و... فرد متوجه زشتی اعمال سابق خود شده و از آن افکار و اعمال پیشیمان گردد. در صورتی که لجاجت از روی عناد و تکبر بوده و از بدذاتی ناشی می‌گردد. لذا با فروکش کردن هوس‌ها از بین نرفته و هیچ‌گاه به شخص لجوج ندامت فوری دست نمی‌دهد؛ بلکه مادامی که شخص زنده است این حالت زشت نیز زنده خواهد ماند، مگر آنکه خدا بخواهد او را هدایت کند (طباطبایی، ۱۳۷۴).

یکی از آثار لجاجت این است که افراد لجوج از درک حقایق آیات الهی محرومند: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَ... إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام: ۹۹) با توجه به این آیه می‌توان فهمید که لجاجت در انسان زمینه خردورزی را از بین برده و مانعی برای خردورزی انسان است. به لحاظ روان‌شناختی، شخص لج‌باز به دلیل تقلید بی‌قید و شرط و کورکورانه از دیگران و همچنین با ترک پذیرفتن حق، خود را بزرگ جلوه داده و خود را بزرگ‌تر از آن می‌داند که حق را بپذیرد و

این حس خودبرتری بی‌نی به شخص اجازه نمی‌دهد که به سخنی غیر از سخن خود گوش کند و به همین جهت مانع رشد و خردورزی وی می‌گردد.

- موانع رفتاری

رفتار عبارت است از: هرگونه پاسخی که انسان به محرک‌های بیرونی یا درونی می‌دهد، در قسمت موانع شناختی گفتیم که شناخت‌های انسان سبب می‌شود که تفسیر او از وقایع متغیر گردیده و رفتارهای متفاوتی انجام دهد و این حاکی از تأثیر شناخت‌ها بر رفتار انسان است. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است این است که رفتارها هم به واسطه این‌که زمینه‌ساز شناخت‌ها هستند، می‌توانند تأثیر منفی بر شکل‌گیری شناخت صحیح و به تبع آن رفتارهای غلط باشند. در ادامه از منظر قرآن به موانع رفتاری که سبب می‌شوند انسان نتواند از تعقل خود استفاده کند می‌پردازیم:

الف. گناه

در قرآن سوره انعام آیه ۱۵۱ آمده است: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» با تحلیل محتوایی در این آیه می‌توان به این نتیجه رسید که میان انجام گناه و خردورزی رابطه است و به هر میزان انجام گناه بیشتر شود، زمینه برای خردورزی کاهش می‌یابد. گناه به عنوان عاملی که از افراط یا تفریط در غضب و شهوت منبث می‌شود و تکرار آن موجب رسوخ این حالت غیراعتدالی در نفس می‌گردد، انسان را از زمره بهایم بلکه نازل تر از آن قرار می‌دهد. از این رو، به همان اندازه ادراک و شناخت انسان از خویش نیز دچار تنازل و تضعیف می‌شود؛ زیرا دل‌بستگی به دنیا که اساس هر خطا و گناهی است و صرف همه همت در راه تحصیل آرزوهای مادی، زمینه آن را فراهم می‌آورد که چنین شخصیتی فاقد خودآگاهی و توجه نسبت به علم حضوری از خویش‌تن بشود و نیز دچار ضعف وجودی گردد. در نتیجه، خود را همین تن و بدن مادی می‌داند و نمی‌تواند خود را بشناسد (طباطبایی، ۱۴۱۷).

به لحاظ روان‌شناختی تقوا معادل روان‌شناختی آن، خودمهارگری است. در مقابل تقوا، گناه است که معادل روان‌شناختی آن عدم خودمهارگری می‌باشد. خودمهارگری زیرمجموعه دو مفهوم «خودنظم‌بخشی» و «کنش اجرایی خود» بوده و با مفاهیم قدرت اراده،

خودانضباط‌دهی، خودداری، و مدیریت خود، مترادف است. سازه خودمهارگری اسلامی، دارای دو سطح است: سطح اول، شامل دو مؤلفه «شناخت» و «بازدارندگی» است که از دو مفهوم عقل و تقوا استنباط شده است؛ سطح دوم، دارای هفت مؤلفه «خودنظارت‌گری»، «هدف‌شناسی»، «انگیزشی»، «مهار رفتاری»، «مهار شناختی»، «مهار هیجانی» و «مهار تداوم‌بخش» می‌باشد (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۳). لذا افرادی که خودمهارگری کمتری دارند، به همان میزان زمینه کاهش خردورزی را خودشان به وجود می‌آورند.

ب. رعایت نکردن حریم و مرز

یکی از زمینه‌هایی که سبب می‌شود انسان رفتار درستی در جمع داشته باشد، شناختن حریم و مرزها و رعایت آنهاست. در سورهٔ حجرات آیهٔ ۴ آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»؛ (ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، اکثرشان نمی‌فهمند! در این آیه به صورت تلویحی اشاره کرده است که کسانی که حریم تو را رعایت نکرده و به آن لطمه می‌زنند، فکر نمی‌کنند و اهل تعقل نیستند. با تحلیل محتوا می‌توان به این نتیجه رسید که میان حریم نگه داشتن و استفاده از عقل رابطه است و حریم نگه نداشتن می‌تواند به عنوان مانعی در مسیر خردورزی محسوب گردد.

ج. گوش ندادن فعال

فهمیدن پیام طرف مقابل مستلزم خوب گوش دادن به پیام اوست. می‌توان گفت: گوش دادن فعال زمینه‌ای برای فهم بهتر پیام طرف مقابل و به تبع اندیشه بهتر در مورد پیام اوست. گوش دادن فعال یعنی اینکه به صورت فعالانه درگیر گوش دادن و فهم صحبتی باشیم که گوینده برای ما ارسال می‌کند. گوش دادن یکی از اساسی‌ترین مهارت‌های ارتباطات بین‌فردی محسوب می‌شود. در قرآن کریم سورهٔ ملک آیهٔ ۱۰ آمده است: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» این آیه به وضوح نشان می‌دهد که میان شنیدن فعال و سرنوشتی که کفار به آن مبتلا شده‌اند، رابطه است؛ زیرا اگر آنها پیام نبی الهی را به خوبی گوش می‌کردند، زمینهٔ بهتری برای فهم و درک آن داشتند و به تبع آن، انتخاب آنها متفاوت بود. با توجه به تحلیل روان‌شناختی آیهٔ فوق می‌توان به این نکته رسید که یکی از موانع خردورزی، فهم بد به واسطهٔ گوش ندادن فعال از جانب مشرکین است.

۵. انتخاب غلط

یکی از ویژگی‌های انسان، قدرت انتخاب است. معیار انتخاب از بین گزینه‌های متفاوت می‌تواند چیزهای متعددی باشد، اما می‌توان این مسئله را قدر متیقن دانست که انسان در زمان انتخاب به نیازهای خود توجه داشته و بر اساس آن انتخاب می‌کند، در آیه ۶۷ سوره انبیا آمده است: «أَفِي لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» این آیه خطاب حضرت ابراهیم علیه السلام به مشرکان است که اُف بر شما به خاطر انتخاب غلطی که داشته‌اید و سؤال ایشان از آنها که آیا فکر نمی‌کنید، نشان می‌دهد که بین انتخاب غلطی که در انتخاب معبود از جانب کفار صورت گرفته و استفاده نکردن از عقل ارتباط است. از رویکرد روان‌شناختی، انسان به واسطه انتخاب نسبت به چیزی که انتخاب کرده حس تعلق پیدا کرده و همین مسئله ممکن است او را دچار خطای شناختی و به تبع آن خطای رفتاری کند.

۵: دنیاگرایی

در قرآن کریم، گاه دنیا مورد مذمت قرار گرفته و گاه از دنیا به نیکی یاد شده است. سرّ این مدح و ذم را نه در دنیا که در بیرون از دنیا باید جست. در موارد متعدد دنیا در سیاق ذم، یا به تعبیر دیگر «دنیاگرایی»، گاه به مصادیق مادی، مانند شهوت‌های جنسی، فرزندان، طلا و نقره، اسب، دام و کشتزار تعریف شده است که انسان دلبسته و وابسته به آنهاست؛ «رُزِقَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالتَّيْنِ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِصَّةِ وَالحَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالأَنْعَامِ وَالحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (آل عمران: ۱۴). و گاه به نگرش‌های مادی‌گرایانه و نحوه بهره‌گیری از این مصادیق مادی، مانند لعب، لهو، مدپرستی، تجمل‌گرایی، فخرپروری، ثروت‌اندوزی و قدرت‌طلبی توجه داده شده است که انسان به جای استفاده از مادیات در جهت نزدیکی به خداوند، از آنها در جهت دوری از خداوند سود جست است؛ «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهَوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الأَمْوَالِ وَالأَوْلَادِ...» (حدید: ۲۰) (احمدزاد، ۱۳۸۷).

در نتیجه‌ای کلی‌تر می‌توان گفت: یکی از موانع خردورزی از منظر قرآن دنیاگرایی و رها کردن آخرت است. در همین زمینه نیز در آیه دیگری از قرآن در سوره انعام آیه ۳۲ آمده است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهَوٌّ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست و سرای آخرت برای آنها که پرهیزکارند، بهتر است آیا

نمی‌اندیشید. به نوعی تأیید نتیجه‌ای است که در آیات قبل گرفته شده است. توجه به دنیا و تعلق به آن سبب می‌شود که انسان عاقبت‌اندیشی و خردورزی خود را از دست داده و دچار خطا شود و به‌عنوان یکی از موانع خردورزی محسوب شود.

و. توجه نکردن به نشانه‌های قدرت الهی

در قرآن کریم یکی از موانع انسان در مسیر خردورزی را عدم توجه به نشانگان قدرت الهی در هستی می‌بیند. در همین زمینه در سوره بقره آیه ۷۳ آمده است: «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» این آیه به خوبی نشان می‌دهد که یکی از زمینه‌های خردورزی از منظر قرآن توجه به نشانگان قدرت الهی است؛ چون خداوند آن را به بنی‌اسرائیل نشان داد تا فکر کنند و با معکوس کردن این مسئله می‌توان فهمید که عدم توجه به نشانگان قدرت الهی مانعی در مسیر خردورزی است.

ز. بی‌توجهی به مراحل خلقت و زندگی و مرگ

توجه مراحل پیچیده آفرینش می‌تواند زمینه‌ای برای تحریک فکر و خردورزی باشد و می‌توان گفت که بهترین بستر برای تفکر، تفکر در مورد خلقت پیچیده انسان است (قرائتی، ۱۳۸۸). در سوره غافر آیه ۶۷ آمده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» این آیه نشان می‌دهد که میان خردورزی و توجه به کیفیت خلقت ارتباط وجود دارد و یکی از موانع خردورزی از منظر قرآن، عدم توجه به این مسئله است.

ح. نفاق و کتمان حقیقت

منافق کسی است که در باطن کافر ولی ظاهراً مسلمان است، یکی از نشانگان منافق که در آیه ۱۳ سوره بقره به آن اشاره شده است، این است که آنها خود را عاقل و هوشیار می‌دانند و مؤمنان را ساده‌لوح و خوش‌باور. در قرآن به خاطر عدم استفاده از عقل، منافقین نکوهش شده‌اند، همانند آیه ۷۶ سوره بقره «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاوِرَكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ». با نگاه روان‌شناختی شخص منافق به خاطر سبک زندگی خود و ترس از آشکار شدن وضعیت اعتقادی مدام در حالت اضطراب به سر می‌برد و این اضطراب مانع خردورزی وی است.

ط. تقلید کورکورانه

تقلید کورکورانه و به دور از آگاهی و از روی خودباختگی، از عوامل اصلی رکود و ایستایی است و هر جا که چنین مسئله‌ای رخ دهد، دلیلی بر به کار گرفتن اندیشه و جوشش فکر، باقی نمی ماند و شخص تقلیدکننده با سرسپردگی نابخردانه، راه شکوفایی عقل را بر خود خواهد بست. در سوره بقره آیه ۱۷۰ آمده است «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ».

ی. بی توجهی به سرگذشت پیشینیان

انسان به واسطه اینکه موجودی خردورز است، می تواند از تجربه دیگران استفاده کرده و خطای آنها را تکرار نکند، به این ویژگی انسان عبرت گیری می گویند. در بیش از ده آیه قرآن ترغیب و تشویق فراوان به «سیر در ارض» (یوسف: ۱۰۹؛ حج: ۴۶؛ روم: ۹؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱ و ۸۲؛ آل عمران: ۱۳۷؛ انعام: ۱۱؛ نحل: ۳۶؛ نمل: ۶۹؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲) شده است که می توان به این نتیجه رسید که یکی از موانع خردورزی از منظر قرآن، درس نگرفتن از تاریخ و سرگذشت پیشینیان است (خاتمی، ۱۳۷۷).

نتیجه گیری

انسان به عنوان پیچیده ترین مخلوق خداوند، دارای ویژگی های متعددی است که او را از سایر مخلوقات متمایز کرده است. خردورزی یکی از اساسی ترین وجوه تمایز انسان است. یافته های پژوهش نشان داد موانع خردورزی از منظر قرآن در سه بخش دسته بندی می شود: الف. موانع شناختی خردورزی از منظر قرآن عبارت اند از: عدم توجه به ندای فطرت، خودفراموشی، باورهای خرافی؛ ب. دوستی و صمیمیت با دشمنان خدا، تعصب و لجاجت برخی از موانع عاطفی خردورزی است؛ ج. گناه، رعایت نکردن حریم و مرز، گوش ندادن فعال، انتخاب غلط، دنیاگرایی، توجه نکردن به نشانه های قدرت الهی، بی توجهی به مراحل خلقت و مرگ، نفاق و کتمان حقیقت، تقلید کورکورانه، بی توجهی به سرگذشت پیشینیان از موانع رفتاری خردورزی به شمار می روند.

هر پژوهشی به دلیل مسئله محور بودن، دارای چارچوب ها و محدودیت هایی است که مانع از پرداختن به تمام جوانب موضوع خواهد شد. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنا نبوده

و با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. با توجه به موضوع تحقیق، یکی از محدودیت‌های آن عدم دسترسی و بررسی بخشی از جامعه آماری کیفی پژوهش از جمله منابع اهل سنت و کتب آسمانی سایر ادیان ابراهیمی و عدم مقایسه آنها با یکدیگر بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهشی مستقل، این بخش از جامعه آماری کیفی پژوهش نیز بررسی و موانع خردورزی از دیدگاه اهل سنت و سایر ادیان ابراهیمی بررسی و نتایج مقایسه شود.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تحقیق و تصحیح: هیئت علمی دارالقرآن الکریم.
- سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم، هجرت.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد شیبانی موصلی (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث والاثیر، قم، ایران.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چ دوم، قم، انتشارات اسلامی.
- احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۷)، «دنیا و دنیاگرایی در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ویژه‌نامه قرآن و مهندسی فرهنگی، شماره ۵۴، ص ۳۵-۵۵.
- اکبری، قدسیه و افضل بلوکی (۱۳۹۴)، خردورزی و خردورزان از منظر قرآن کریم، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دین، قم، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
- انصاری، محمدعلی، آمدی (بی‌تا)، ترجمه غرالحکم، قم، دارالکتب، بی‌تا.
- برنجکار، رضا (۱۳۸۰)، «عقل و تعقل»، قیسات، شماره ۱۹، ص ۳۳-۴۴.
- بلوکی، افضل (۱۳۸۶)، «راهکارهای رشد خردورزی در قرآن کریم»، اندیشه‌های اسلامی، شماره ۱، ص ۸-۲۰.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، «فطرت در آیین قرآن»، انسان پژوهی دینی، شماره ۲۳، ص ۵-۲۸.
- جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، چ سوم، بیروت، نرم‌افزار قاموس، مرکز تحقیقات.
- خاتمی، سیداحمد (۱۳۸۹)، عبرت‌آموزی در قرآن، ره‌توشه راهیان نور، ۲۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین و رضامیرزائی (۱۳۸۹)، «چیستی انسان‌شناسی»، انسان پژوهی دینی، شماره ۲۴، ص ۲-۳۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۳)، الذریعة إلى مکارم الشریعة، شماره ۴۶، قم، شریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
- شجریان، مهدی (۱۳۹۵)، «تقوی جامع‌ترین صورت خردورزی در قرآن کریم»، فرهنگ پژوهش، شماره ۲۶، ص ۵-۲۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۳ق)، الکبائر و الصغائر، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
- غرویان، محسن (۱۳۷۹)، فلسفه اخلاق، چ دوم، قم، نشر پیک جلال.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، چ شانزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- محمودی سیروی، علی (۱۳۹۷)، «بررسی تحلیلی مبانی اسلامی خردورزی به عنوان یک هدف تربیتی»، بصیرت و تربیت اسلامی، (۱۵)، ۴۶-۶.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، فلسفه اخلاق، چ چهاردهم، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، ۲۹ جلدی، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- مویدی، عبدالستار (۱۳۹۱)، خردورزی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، تهران، دانشگاه تهران.